

این پژوهش، یکی از جنبش‌های اجتماعی - مذهبی ایران پیش از اسلام را از جهت رابطه آن با قدرت سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد. در بحث مقدماتی ردپای اجتماعی مزدک در اوضاع سیاسی و اجتماعی و دینی ساسانیان پی‌گیری می‌شود و در واقع بر آن است که ناپایداری اجتماعی و دینی حکومت ساسانی، عوامل بنیادین سقوط دولت دیرپای ساسانی را مهیا کرده بود و نفوذ و رسوخ اندیشه‌های مزدکی نشان از اهمیت یافتن اندیشه‌هایی داشت که نفخه‌های آزادی و انسانی داشتند. لذا اصول انسانی و تکامل جویانه اسلام، عالی‌ترین تبلور نیازهای انسان بود که جامعه ایرانی آن را دربر کشید. به‌طور کلی، زمینه‌های جنبش مزدکی و بویژه دلایل حمایت قدرت سیاسی و نظام سلطنت ایران، موضوع مورد پژوهش است.

□

بررسی تاریخی جنبش مزدکیان، نیازمند بازنگری به جامعه ایرانی در دوره ساسانی است. بدیهی است جنبش‌های عظیم اجتماعی - دینی، در یک روند و بستر تاریخی شکل و گسترش می‌یابند و علل و عوامل گوناگونی در ظهور و تداوم تاریخی آنان مؤثرند. جنبش نوجویانه مزدکی از ویژگیهای ساختاری جامعه ساسانی الهام می‌گرفت و در واقع شکاف‌های ژرف فکری و اجتماعی ایران ساسانی را هویدا می‌ساخت و محصول و زائیده شرایط به ارث رسیده در این دوران بود.



حمید حاجیان پور

این سیستم بسته طبقاتی هرمی شکل که پادشاه و خاندان سلطنت در رأس آن قرار داشت و عمدتاً عامل دودمانی و خونی و نژادی در سلسله مراتب اجتماعی آن نقش سازنده داشت، چهار طبقه ارکان مهم آن را شکل می‌دادند: شاهزادگان و امرا و رؤسای هفت خاندان بزرگی که تیولداران ایران بودند، طبقه اول این سیستم را تشکیل می‌دادند. این خاندانها که چون نهادهای سیاسی معاصر عمل می‌کردند، در جدال با دربار برای دفاع از حقوق خود از عوامل تضعیف قدرت دولت بودند و نیز با تحمیلات جدیدی که بر جامعه روستایی قرار می‌دادند از علل انحطاط و از هم گسیختگی اجتماعی بودند. بر عناصر تشکیل دهنده این طبقه ممتاز، می‌بایست روحانیان طراز اول را که در امر سیاست و جانشینی دخالت داشتند، افزود. قدرت معنوی و نیز قدرت مالی ناشی از مالیات‌های مذهبی از عوامل تقویت‌کننده این گروه بود.

اشراف و بزرگان اداری و نظامی که مالک املاک و بردگان بودند، طبقه دوم این هرم اجتماعی را تشکیل می‌دادند. اینان نیز از امتیازاتی چون معافیت مالیاتی بهره می‌بردند. پادشاهان ساسانی با اهدای زمین به این گروه کوشیدند از حمایت آنان در رقابت با اشراف درجه اول برخوردار شوند. گرچه این سیاست در کوتاه مدت موفقیت‌آمیز بود، اما قدرت یابی اشراف و افزایش املاک آنان و کاهش اراضی دولتی و شاهی و طبعاً تنزل عواید خزانه، پی‌آمد آن بود. این امر، در تحلیل عوامل نهضت مزدکی مهم خواهد بود. نکته اساسی در بررسی مسائل داخلی حکومت ساسانی، رقابت‌های شدید بین نجبای فنودال و قدرت سلطنت است و شاهان ساسانی کوشیدند از قدرت اشراف طراز اول بکاهند و سقوط، برخی

دسپوتیسم (Despotism) و سلطنت مطلقه، مشخصه عمومی ساسانی است. سیستم طبقاتی و ترتیب غیرقابل انعطاف اجتماعی و انحصار امتیازات از سختی و آشفتنگی دوران، بویژه از دید توده مردم حکایت دارد. رفاه در محدوده طبقات ممتاز جامعه و سنگینی بار اجتماع در محدوده طبقه مولد ثروت، یعنی توده مردم بود. این سیستم طبقاتی، به مقتضای نَسب، جایگاه هر فرد را در اجتماع تعیین می‌کرد. حکایت افسانه‌آمیز سعدالدین و راوینی، واقعیاتی از جامعه ساسانی را در اختیار ما قرار می‌دهد:

«صاحب اقبالی از خسروان پارس دستور داده تا جشنی بگیرند و همه مردم از شهری و لشکری - خواص و عوام - عالم و جاهل، در صحرائی گرد آمده و هر یک را به مقتضای درجه و مقام خویش در صفی قرار می‌دهند و سپس خسرو در صدر مسند شاهی نشسته و فرمان می‌دهد که منادی به جمع برآید که ای حاضران، هر یک در مرتبه فرودست خویش بنگرید و درجه ادنی ببیند و نظر بر اعلی منهدید و شکر ایزدی بر مقام خویش بگذارید. هر یک به طبقه زیردست نگریسته و مباحثات کردند مگر آخرین صف که موضع اهل ظلمات بود و به زجر آنها پرداخته که سزاوار زجر و تعزیرند...»^(۱)

گرچه نمونه‌های بسیاری از داستان کفشگر فردوسی در دست است، اما گزارش این بلخی جلوه دیگری را بیان می‌دارد:

«عادت ملوک فرس و اکاثر آن بودی کی از همه ملوک اطراف چون صین و روم و ترک و هند دختران ستدندی و پیوندی ساختندی و هرگز هیچ دختر را بدیشان تدادی. دختران را جز با کسانی کی از اهل بیت ایشان بودند موصلت نکردی...»^(۲)

کشاورزی استوار بود و مهمترین منبع درآمدی دولت، مالیات اراضی و نیز مالیات سرانه بود. دستگاه عظیم جنگی ساسانی که پیوسته در جبهه‌های مختلف در توسعه‌طلبی سیاسی و اقتصادی بود و می‌کوشید حاکمیت مطلق خود را بر اقوام و ملل تحت تابعیت تحکیم کند، می‌بایست از خزانه نیرومند و پر رونقی برخوردار باشد. بنابراین، انواع گوناگون عوارض و مالیاتها که طبقه بندگان و مولد ثروت می‌پرداختند، مخارج آن را فراهم کرد.

فردوسی طوسی اوضاع اقتصادی ایران در اوایل سلطنت قباد و مقارن جنبش مزدکی را چنین تصویر می‌کند:

ز شاهان هر آنکس که بُد پیش از او
اگر کم بدش جاه اگر بیش از او
بجستند بهره زکشت و درود
ز رسته کجا بیش از آن بود سود
سه یک بود و چهار یک بهره شاه
قباد آمد و ده یک آورد راه
ز ده یک بر آن بد که کمتر کند
بکوشد که کهتر چو مهتر کند

این خردنامه ایرانی، تعدی بر رعیت را تا بامداد سلطنت قباد ساسانی به خوبی نشان می‌دهد. در واقع، یکی از رفورم‌های مزدک که در دوره انوشیروان تحقق عملی یافت، کاهش این تعدی و تعدیل سیستم مالیاتی کشور بود. محمد بن جریر طبری با گزارش هجوم روستائیان به شهرها بر اثر تعدیات مالیاتی، مواد تکمیلی روایت تاریخی شاهنامه را به دست می‌دهد و دلایل رشد شهرنشینی را در اختیار ما قرار می‌دهد. در واقع، این آشفتگی اقتصادی، بحران سیاسی و اجتماعی را حادث می‌کرد و رویکرد به جنبش مزدکی در این مقوله نیز قابل بررسی است.

شاهان، نتیجه این سیاست بود.

طبقه متوسط و صاحبان املاک جزء، سومین طبقه ساسانی به نام «آزادان» بودند و در نهایت آخرین طبقه، بندگان بودند که توده مردم ساسانی را شامل می‌شد. اینان که از هرگونه حقوق اجتماعی و فردی محروم بودند، اساس نظام طبقاتی ساسانی را شکل می‌دادند. این سیستم سخت و غیرقابل انعطاف که فاقد اصل قابلیت و تحول طبقاتی بود، زمینه نارضایتی و پذیرش تحول و دگرگونی را فراهم ساخت و جنبش مزدکی تنها یک تبلور آن بود.

تعدد زوجات یک مشخصه شناخته شده جامعه ساسانی است. اما مسأله زن موضوع پیچیده طبقات فرودست اجتماعی باقی ماند. اثرات نامطلوب تعدد زوجات بر نظام خانوادگی، بسیار مورد بحث قرار گرفته است. اما نکته این است که تعدد زوجات تنها به طبقات ممتاز جامعه اختصاص داشت و منابع تاریخی دوران اسلامی از حرمسراهای اعیان و اشراف اطلاعات فراوانی در بردارند. بارتلمه که به تحقیق در نظام خانوادگی و حقوق زن در جامعه ساسانی پرداخته است، نشان می‌دهد به رغم تعدد زوجات در جامعه ساسانی، طبقات پایین اجتماع حتی قادر به داشتن یک زن نبوده‌اند و از طرف دیگر، رسم تعدد زوجات تحقیر اجتماعی زنان و نیز سلسله مراتب و ارزش متفاوت آنان را در پی داشته است.^(۳) بدین جهت موضوع زن که یک مسأله مهم در اصلاحات مزدکیان به شمار آمد، در واقع ناظر بر واقعیات جامعه بود.

موضوع دیگری که در تحلیل عوامل بنیادین بروز مزدکیان و سقوط ساسانی قابل تعمق است، سیستم اقتصادی و مالی و بویژه نظام مالیاتی است. اقتصاد ایران در دوره ساسانی بر مبنای

بزرگان و روحانیان و دهقانان؛ تحقیر خاندان سلطنت بر اثر نزاعهای بلاش و قباد و کوشش‌های قباد برای تحکیم قدرت سلطنت و کاهش قدرت بزرگان.

در آستانه جنبش مزدکی، نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی، شرایطی انفجارآمیز فراهم کرده بود و مزدک واکنشی شدید در برابر این اوضاع بحرانی بود. مزدک با شناخت عوامل ناپایداری و بحران آفرین جامعه، اصول خود را بر ترمیم آنان قرار داد. بدین سبب مسأله زنان و اموال در اندیشه‌های مزدک تقدم یافت. این نیاز عمیق اجتماعی، با رویکرد گسترده عمومی مواجه شد. این اثیر با بیان سخنان مزدک در برابر انوشیروان، چگونگی استقبال ایرانیان از جنبش مزدکی را نشان می‌دهد. مزدک در پاسخ انوشیروان که قصد قتل عام مزدکیان را داشت، می‌گوید: «آیا تو می‌توانی همه مردم را به قتل برسانی.»^(۴)

ظهور مزدک و گسترش ناگهانی و سریع آن در جامعه ساسانی، کاشف آن است که مردمان آن عصر تشنه اصلاحات عمیق و اساسی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و دینی در ابران بوده‌اند.

□

■ قباد و مزدک

سؤال اساسی در بررسی جنبش مزدکی، علل حمایت پادشاه ایران از اندیشه اصلاحی مزدک است. جالب این است که هرچند این جنبش

موقعیت دینی جامعه ساسانی در بررسی جنبش مزدکی می‌بایست مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. ساسانیان از درون معبد آناهیتای استخر سر برآوردند و دین را رکنی از ارکان دولت خود قرار دادند. در واقع، امتزاج دین و دولت بارزترین جلوه خود را بازیافت؛ گرچه این امر سابقه دیرینه‌ای در شرق داشت. دین زردشتی در گذر زمان در رابطه با قدرت سیاسی از پیچیدگیهای خاصی برخوردار شد و در خدمت دولت قرار گرفت. اندیشه دینی حاکم، منافع طبقات حاکم را بر منافع عمومی تقدم بخشید، گرچه دین به صورت وسیع در زندگی مردم حضور داشت و روحانیان زردشتی به صورت پر قدرت‌ترین و متنفذترین طبقه اجتماعی و سیاسی درآمده بودند. یک نمونه اقتدار این طبقه دخالت در «مسأله جانشینی» است. این نگرش مذهبی، یعنی دین برای دولت و حتی ایجاد دگرگونی در برخی اصول دینی که می‌توانست حیات و بقای سیستم سیاسی را تداوم بخشد، از عوامل پذیرش اجتماعی اندیشه دینی نوینی بود که جنبه‌های عمومی‌تری را در برداشت. بنابراین، در بخشی از تاریخ ایران دوره ساسانی این حیات نوین دینی و اجتماعی را در جنبش مزدکی یافتند و مزدک پدیده چنین شرایطی است.

عوامل دیگری در ظهور و گسترش مزدکیان مؤثر بودند: خشکسالی چند ساله که قحطی پی‌آمد آن بود؛ بلاها و آفات فراوان که عامل مؤثر هجوم روستائیان به شهرها بود و اینان نیروی عظیم جنبش مزدکی را تشکیل دادند؛ جنگهای پیروز و بویژه شکست ایرانیان از هیاطله (۴۸۴ م) که موجب گروگان گرفتن قباد و خراج گذاری ایران گردید؛ تهدیدی کشور بر اثر جنگهای متوالی؛ بروز خصومت بین نجیبای بزرگ بویژه در ماجرای از میان برداشتن سوخرا؛* اختلاف میان طبقات

* سوخرا از نجیبای بزرگ بود و قتل او با توطئه قباد و همکاری سایر نجباء، از جمله شاپور مهران صورت گرفت.

این سنت شکنی در آئین اشتراکی زنان مزدک، با امیال قباد نیز سازگاری داشته است. بنابر نظر پروکوپوس:

«کواد با استفاده از قدرت و حاکمیت در کشور بدعت‌های تازه‌ای پدید آورد و پیرامون همگانی بودن زنان ایرانیان قانونی نوشت که موافق طبع بسیاری از مردم نبود.»^(۵)

کریستن سن در بارهٔ قانون مربوط به همگانی بودن زنان خاطر نشان نموده که قانونی دربارهٔ انهدام خانواده وجود نداشت.^(۶)

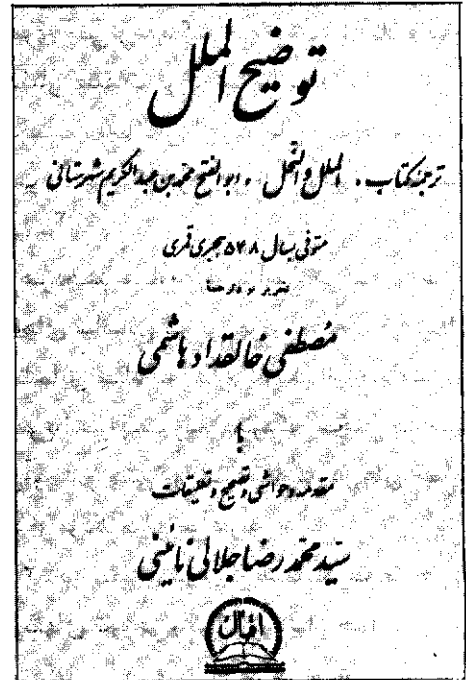
بر اساس این دسته منابع، علت حمایت قباد از مزدک، تمایل او به زنان بوده است و با آئین جدید در مورد زنان می‌توانست به خواستهٔ خویش که نظام اجتماعی حاکم بر جامعه، مانعی در دستیابی به آن بود، نایل آید. بلعمی، از دانشمندان دوران سامانی و وزیر منصور بن نوح سامانی، معتقد است که قوانین مزدک در مورد زن، علت پیروی قباد از این آیین بوده است. چون:

«قباد به زنان میل بودی، بدو گروید و او را دست قوی کرد و زن هر کسی که خواستی بگرفتی.»^(۷)

شهرستانی، با استناد به نظریه‌های پیشین، دلیل مشابهی بیان می‌دارد و «علت پیروی قباد از مزدک را این دانسته‌اند که در آئین مزدک قانون جدیدی راجع به زن بود. از اینرو قباد از این امر خشنود شده چرا که او به زنان میل زیادی بودی.»^(۸)

مؤلف گمنام «مجله التواریخ والقصص» در سال ۵۲۰ ه. ق این دیدگاه را تأیید می‌کند: «قباد دین او بپذیرفت که مولع بود به زنان.»^(۹)

برخی از محققان معاصر معتقدند که قانون اشتراک زنان مزدک، سوء تعبیر شده است،



پایه‌های حکومت ساسانی را مورد تهدید قرار می‌داد و در پی دگرگونی عمیق اجتماعی و موجی بنیان کن بر ضد امتیازات طبقات ممتاز - که خاندان سلطنت را نیز شامل می‌شد - بوده است، اما قباد آنان را مورد حمایت قرار می‌دهد. تحقیقات جدید پرتویی بر برخی نکات مبهم این سؤال می‌افکنند، اما تمام جنبه‌های آن می‌بایست مورد بازنگری قرار گیرد.

۱ - با نگاهی اجمالی بر منابع تاریخی ایران بویژه در دوران اسلامی، که از آثار دورهٔ ساسانی بی‌بهره نیستند، چند دیدگاه در خصوص علل پیروی قباد از آئین مزدک می‌توان تبیین کرد. پاره‌ای از منابع معتقدند که نظام اجتماعی حاکم بر جامعهٔ ساسانی محدودیت‌هایی را در دستیابی به زنان دربر داشته است و دیدگاه اشتراکی مزدک در مورد زنان، امکان حصول به برخی امیال و شکستن این نظام اجتماعی را ممکن می‌گردانید.

نتیجه ناخوشایند آن برای نظام سلطنت بود. طبری می‌نویسد که: به هنگام اعتلا و تفوق مزدکیان طبقات فرودست (السفلة) با بزرگان در آمیختند و به زنانی از دودمان اشراف و بزرگان دست یافتند، که هرگز در آنان طمع نمی‌توانستند بست. (۱۳)

هر چند منابع دوران اسلامی که از خدای نامه‌های ساسانی نیز بی‌بهره نبوده‌اند، گزارشهایی در تمایل قباد به زنان دارند، اما به روشنی از موضوع اشتراکیت زنان مزدک سخنی به میان نمی‌آورند و حتی روایات متفاوتی در علل حمایت قباد از مزدک بیان می‌دارند.

۲- در نظریه دوم با استناد به برخی از گزارشهای تاریخی، می‌توان دلیل حمایت پادشاه از مزدکیان را ضرورت اجتماعی و ناشی از ترس و وحشت او قلمداد کرد. چنانچه گذشت، منابع تاریخی از پذیرش همگانی اندیشه مزدکی در جامعه ایران سخن به میان آورده‌اند و قباد با توجه به این شرایط اجتماعی، ملزم به همگامی با توده مردم بوده است. در واقع این سیاست، مناسب‌ترین شیوه حفظ سلطنت بود. ثعالبی در «غر اخبار الملوک الفرس و سیرهم» مواد تکمیلی این نظریه را بدست می‌دهد:

«قباد از روی ترس پیروی مزدک را پذیرفت، زیرا مزدک دستور داد تا بینوایان انبارها را غارت کنند و قباد توانایی جلوگیری آنان را نداشت... مزدکیان او را تهدید کردند که اگر پیرو عقاید ایشان نشود، وی را چون گوسفند سر خواهند برید و او را از ارتباط با اطرافیان منع خواهند کرد و حتی مزدک به او امر کرد که مادر خود را هم به وی تسلیم کند.» (۱۴)

ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» عقیده ایرانیان را در مورد دلیل پیروی پادشاه از جنبش

در صورتی که چنین مفهومی نداشته است، بلکه قوانین تازه‌یی بوده که محدودیت ازدواج در بین طبقات را از میان برده و شاید ازدواجهای آزادتری را مقرر داشته است. و اما در نتیجه سوء آن مبالغه شده و اشتراک زنان را بیان کرده‌اند. (۱۰) گزارش ابوریحان بیرونی موادی از این تحلیل را به دست می‌دهد و این نظریه، روایتی در منابع پیشین می‌یابد که قباد گرایشهایی به زنان داشته است و اصول طبقاتی جامعه ساسانی مانعی در حصول به آن بوده است و آئین مزدک تحقق آن را ممکن کرده است:

«... مزدک جزو دهات بود و چون می‌دانست که قباد به زن پسر عموی خود علاقه دارد، این بود که از موقع استفاده کرد و قباد هم فی‌الغور این مذهب را قبول کرد و گفت اگر وصال زن عموی خود را می‌خواهی این کار منوط به این است که مرا هم بر مادر انوشیروان متمکن سازی و قباد این شرط را پذیرفت و مادر انوشیروان را در اختیار مزدک گذاشت. انوشیروان نزد مزدک رفت و با او سخن گفت و بسیار زاری کرد و پایش را بوسید تا منتهی بر او گذاشته، دست از مادرش کشید. و همین امر موجب شد که انوشیروان با به قدرت رسیدن آنها را قتل عام کند.» (۱۱)

این نظریه، در منابع تاریخی قرن هفتم هجری نیز تکرار شده است. ابن‌اثیر که شیوه تطبیق روایات تاریخی و به اصطلاح امروزی شیوه نقد تاریخی را به کار برده است، روایت تمایل قباد به مادر خسرو انوشیروان را آورده است. (۱۲)

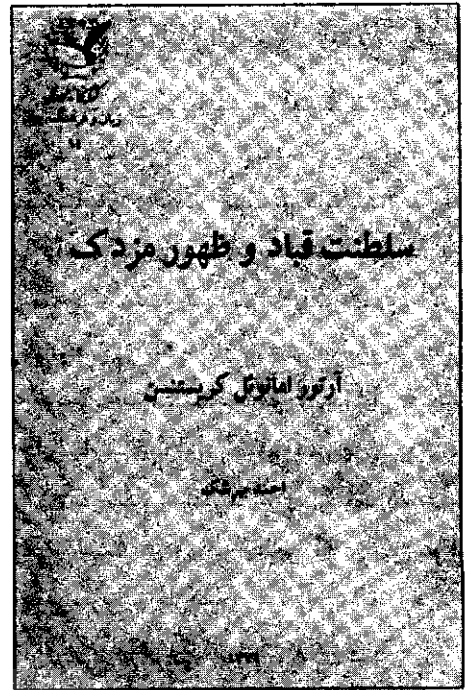
نکته قابل توجه این است که گرچه آئین جدید مزدک در مورد زنان، قباد را در حصول به امیال نفسانی امداد می‌رسانید، اما سیستم انحصاری زنان حرمسرا و نظام درباری باید مورد بازنگری قرار می‌گرفت و تقسیم زنان حرم در میان مردم،

حمایت بوده است. در واقع، قباد به سبب تمایلات دینی و اخلاقی و بنابر اعتقادی که به اصول فکری مزدک دارد، به رغم تمام موانع سنتی و مخاطراتی که نظام سلطنت را هم از سوی طبقات ممتاز و هم از سوی مزدکیان اصلاح طلب تهدید می‌کرد، به اندیشه جدید که ضرورت اجتماعی داشت، روی خوش نشان داد.

حکیم ابوالقاسم فردوسی، معتقد است اصلاحاتی که قباد به اشاره مزدک انجام می‌دهد برای گشایش زندگی مردم و رفع قحطی و به صلاح رعایا بوده است. خواجه نظام الملک طوسی، وزیر اندیشمند ملکشاه سلجوقی، که نظریاتش با الهام از خدای نامه‌های دوره ساسانی معطوف به آن دوره تاریخی است با بیان چگونگی روی آوردن قباد به آئین مزدک، معتقد به پذیرش قلبی قباد است:

«مزدک زمینه اجتماعی را مناسب برای اشاعه افکار خویش می‌دانسته، از اینرو دعوی پیامبری کرده... قباد با شنیدن این سخنان موبدان و بزرگان را بخواند و مزدک را نیز فراخواند. قباد از او معجزه‌های خواسته تا اثبات پیامبری وی باشد. مزدک با توسل به نیرنگ آتش را به سخن می‌آورد. زیرا سوراخی در زیر آتشکده حفر کرده و شخصی را در آن قرار می‌دهد و هنگام گفتگو با آتش، او سخن می‌گوید و گفته‌های مزدک را تأیید می‌کند که صلاح یزدان پرستان ایران زمین در آن است که سخن مزدک را به کار گیرند، تا نیکبختی دو جهانی بیابند. و این اقدام موجب می‌شود که قباد بدو بگردد...» (۱۶)

میرخواند، مورخ سده نهم هجری، در «روضه الصفا» که یک اثر در تاریخ عمومی است، همین معجزه مزدک در به سخن آوردن آتش را نقل می‌کند و آن را دلیل پذیرش قباد می‌داند. حمزه



مزدکی به روشنی بیان می‌دارد:

«قباد بدو ایمان آورد و برخی از ایرانیان بر این عقیده‌اند که قباد در ایمان به مزدک ناچار مضطر بوده؛ چه، از کثرت پیروان او بر شاهی خود می‌ترسیده...» (۱۵)

در این نظریه، نفوذ گسترده اندیشه مزدکی در میان مردم، در گرایش قباد به آئین جدید عامل مؤثر بوده است. این موضوع ضرورت دگرگونی در جامعه ایران را که ایده‌آل اجتماعی است، نشان می‌دهد. این عدم تحول و انجماد فکری و طبقاتی زمینه رویکرد به جنبش‌ها و افکار جدید را فراهم کرد و پذیرش اسلام در ایران در این مقوله نیز قابل بررسی است.

۳- گزارش پاره‌های دیگر از منابع بر تعدد و تنوع دلایل پیروی قباد از اندیشه‌های مزدکی می‌افزاید. بنابراین منابع، علاقه قلبی قباد و خلوص اعتقاد وی به مزدکیان عامل پذیرش و

اصفهانی، ادیب و مورخ قرن چهارم هجری در «سنی الملوک الارض والانبیاء» که تقریباً معاصر با خواجه نظام الملک است، آینده‌نگری قباد را دلیل حمایت از مزدک و نیز اضمحلال دولت او می‌داند:

«چون کواد متوجه حیات عقبی بود، دولتش ویران شد.» و «شاهنشاهی او بر باد رفت، زیرا در اندیشه زندگی آینده بود.»^(۱۷)

پاره‌ای تحقیقات جدید این نظریه را تأیید می‌کنند. کریستن سن که مطالعاتی در ایران دوره ساسانی دارد معتقد است «قباد که یک ذهن طالب کمال و یک مرد سیاسی بزرگ بود بی‌شک ابتدا یکی از معتقدین دل‌داده مزدکیت بود.»^(۱۸) پیگولوسکایا بدین باور رسیده است که: «وی بلاشک مشتاق تعالیم مزدک شده و آن را به‌عنوان یک دین نو پذیرفته است.»^(۱۹)

گفتگوی قباد و مزدک در مورد قحطی و غلاء (آنگونه که فردوسی نقل می‌کند) نشانه‌هایی از رحم و مروت قباد و برانگیختن او برای اصلاحات ارزیابی می‌گردد. نکته این است که آن دسته منابع تاریخی که چنین برداشت‌هایی در اختیار ما قرار می‌دهند، اندکی بعد رفتار خشونت‌آمیز قباد در نابودی همدینان پیشین خویش را بیان می‌دارند؛ به‌گونه‌ای که مشکل بتوان او را در روزگاری پیرو واقعی فرقه مزدکی دانست. نمونه برخورد قباد با سیاوش که متهم به اندیشه مزدکی بوده در دسترس است.^(۲۰)

۴- بسیاری از تحقیقات جدید، اهداف سیاسی قباد را مورد نظر قرار می‌دهند^(۲۱) و معتقدند جنبش مزدکی فرصتی در اختیار قباد قرار داد تا از نفوذ و قدرت روزافزون اشراف و نجبای بزرگ و جامعه روحانیان زردشتی که همواره در مسائل مهم کشوری بویژه مسأله وراثت و جانشینی،

دخالتی تهدید کننده داشتند، بکاهد. این گروه در برخی مقاطع تاریخی در دوره ساسانی قدرتی بیش از شاهان می‌یافتند و قدرت سلطنت تحت تأثیر قدرت آنان قرار می‌گرفت و حتی در عزل و نصب شاهان دخالت مستقیم داشتند. خلع بلاش و به قدرت رسانیدن قباد یک نمونه آن است.

سوخرا سمبل قدرت اشراف و نفوذ آنان در دربار ساسانی است. گزارش‌های منابع، حاکی است که مردم به سبب قدرت سوخرا مسائل خویش را به‌جای پادشاه با او در میان می‌نهادند و در واقع این تحقیر مقام سلطنت در ایران بود که جنبه‌ای الهوی داشت. محمد بن جریر طبری این دوران را به‌خوبی ترسیم می‌کند:

«چون بیشتر روزگار قباد سپری شد و تدبیر ملک به‌دست سوخرا بود، مردم بدو گرویدند و قباد را سبک گرفتند و قباد تحمل این نکرد و بدان رضا نداد ... او را زندانی و کشت.»^(۲۲)

قبل از طبری، یعقوبی از طفولیت قباد و قدرت یافتن سوخرا و تفوق او بر مقام سلطنت سخن به‌میان می‌آورد و در نهایت «تحمل قدرت سوخرا برو ناگوار بود، پس او را بکشت.»^(۲۳)

حکیم ابوالقاسم طوسی، قدرت اشراف و سوخرا را به نظم کشیده است:

همی گفت هر کس که جز تاج شاه

ندارد ز ایران ز گنج و سپاه

نه فرمانش باشد به چیزی نه رأی

جهانی بشده بنده سوخرای

هر آنکس که بد رازدار قباد

بر او این سخنها همی کرد یاد

ز گفتار بد شد دل کیقباد

ز رنجش بدل بر نکرد ایچ یاد

و نیز در جای دیگر می‌سراید:

همی رفت شادان سوی شهر خویش

زهر کام برداشته بهر خویش
 همه پارس او را شده چون رهی
 همه بود جز تاج شاهنشاهی
 بران بود که من شاه بنشانم
 به شاهی برو آفرین خواندم
 ز گفتار بد شد دل کیقباد
 ز رنجش بدل بر نکرد ایچ یاد

پروکویوس، مورخ رومی در شرح جنگهای ایران و روم در دوره ساسانی، مواردی از اقتدار و استقلال سوخرا را در مسائل سیاست خارجی و مذاکره با رومیان نشان می‌دهد. او به‌عنوان نماینده ایران در مذاکرات صلح و انعقاد پیمان با رومیان، بنا بر سوابدید خویش و بدون رایزنی در ایران، مسأله مورد نزاع ایالت لازیکا (Lazica) را که از دیرباز در تصرف ایران بود و رومیان آن را غصب کرده بودند، به میان می‌آورد که نتیجه آن، شکست مذاکرات و به‌هم خوردن پیمان بود.^(۲۴) به‌طور کلی، بر اساس این نظریه، قباد برای آن که از نفوذ مغان و اشراف و قدرت نجباء لشکری و کشوری که موجب تضعیف اتوکراسی و قدرت شاهان ساسانی بودند، بکاهد، آئین جدید مزدکی را پذیرفته است.

■ حاصل سخن

جنبش مزدکی با الهام و آگاهی از نابسامانیهای درونی جامعه ایران و بویژه توجه به نیازهای توده مردم که نظام اجتماعی و اقتصادی مسلط به سختی آن را محدود می‌کرد، شکل گرفت. این جنبش با اصول جدیدی در مورد زنان و مالکیت که با هدف بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی صورت گرفت، عملکرد خود را بروز داد. قباد با روحیه اصلاح‌طلبی و نیز ضرورت‌های موجود بویژه در رابطه با تضعیف عناصر قدرتمند، اندیشه

مزدک را قالبی مناسب برای تحقق رفورم دید. فردوسی طوسی فکر اصلاحی قباد و نیز بدیمنی زمانه را با افسوس بیان می‌دارد:
 زمانه ندادش بر آن پر درنگ
 به دریا بس ایمن مشو از نهنگ
 به کسری رسید آن سزاوار تاج
 بیخشد بر جای ده یک خراج
 شدند انجمن بخردان و ردان
 بزرگان و بیدار دل موبدان

رفورم اقتصادی بیش از اصلاحات دیگر در نظر قباد اهمیت داشت. پی‌آمد این رفورم اقتصادی، تضعیف قدرت اشراف و روحانیان بود و توزیع مستعادل‌تر ثروت را در پیی داشت. قباد در بامداد جلوس بر تخت شاهی، قانون تازه‌ای در باب توزیع ثروت بنا نهاد که اصول برجسته آن وضع مالیات‌های سنگین بر توانگران و اشراف برای بهبود حال مستمندان و نیز کاهش مالیات رعایا بود.

فردوسی دگرگونی مالیاتی را بعد از جلوس قباد در اختیار ما قرار می‌دهد:
 سه یک بود و چهار یک بهره شاه
 قباد آمد و ده یک آورد راه

افکار اقتصادی مزدک بویژه با تمایلات و نیازهای قباد، همسازی بیشتری داشت. روشهای مزدک تضعیف قدرت مالی روحانیان را هم در پی داشت و از موقعیت برتر آنان در سیستم حکومتی و جامعه می‌کاست. مزدک، آتشکده‌های ایران را به سه آتش آذرگشنسب، آذر فرنبغ و برزین مهر، تقلیل داد و بنا بر نوشته‌های تاریخی، آتش گشنسب به آذربایجان و به یک آتش آذرگشنسبی دیگر ملحق شده است.

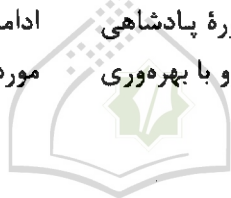
گرچه جنبه سیاسی این تدبیر در این پژوهش بیشتر جلب توجه خواهد کرد، آیا هدف قباد،

از این شرایط مناسب و فقدان عناصر رقیب قدرتمند توانست اصلاحات خویش را تحقق بخشد و دوره‌ای متمایز در تاریخ پادشاهان ساسانی قلمداد گردد.

فرجام سخن اینکه، پریشانی اوضاع اجتماعی و اقتصادی و پیچیدگی اندیشه دینی در جامعه ساسانی، زمینه تحول و ظهور تفکر نوینی را که بتواند دگرگونیهای بنیادین در این سیستم فرتوت ایجاد کند، فراهم کرده بود. مزدک، ناشی از این ضرورت پا به عرصه تاریخ نهاد. اگرچه نتوانست به تمام جنبه‌های این ضرورت پاسخ دهد، اما اسلام با این ضرورت و نیاز درونی توانست به زندگی ایرانی-حیات نوینی بخشد و فصل تازه‌ای در تاریخ ایران زمین بگشاید که این حیات و تداوم تاکنون ادامه یافته است، هرچند این تداوم و اشکال آن مورد بحث و مناقشه فراوان است. (۲۶)

بازنگری دینی در اصلاح نظام آتشکده‌های ایران و تجدیدنظر در خاستگاه ساسانیان یعنی معبد و آتشگاه نبوده است؟ (۲۵) این رفورم دینی، تضعیف قدرت اقتصادی آتشکده‌های ایران و کاهش نفوذ موبدان را در پی داشت و در واقع بازنگری اساسی در بنیاد جامعه و دولت ساسانی است که در معبد آناهیتای استخر متولد شدند و دین زرتشتی را رکنی از ارکان حکومت قرار دادند.

این رفورم گرایی قباد، که با عصر مزدکی توأم گردید، و بویژه با بهره‌گیری از اندیشه‌های اقتصادی مزدک، به دنبال تجدید سلطنت مطلقه و تضعیف نیروهای مهم اجتماعی و بهبود زندگی رعایا بود، اثرات شگرفی در این دوران نهاد و سلطنت قباد فدای این سنت شکنی و اصلاح خواهی گردید. اما ثمرات آن، در دوره پادشاهی خسرو انوشیروان تجلی یافت و خسرو با بهره‌وری



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

● یادداشتها

۱- می‌گفتند، از او پست‌تر چکارها یا «چاکرزن» بود که عنوان خدمتکاری داشت. این دو گروه حقوق قانونی متفاوتی داشتند. ر.ک: بار تلمه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، با مقدمه ناصرالدین صاحب الزمانی، صص ۲۸-۱۸، تهران، بنگاه مطبوعاتی عطائی، بی‌تا؛ کریستن سن، ایران در زمان ساسانی، ص ۲۲۷.

۲- ابن اثیر، الکامل، مترجم محمد ابراهیم باستانی پاریزی، جلد اول، ص ۸۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱- وراوینی، سعد الدین، مرزبان نامه، تصحیح محمد قزوینی، به نقل از: کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۲۲۱، تهران، چاپ رنگین، ۱۳۱۷.

۲- ابن بلخی، فارسنامه، به کوشش علی نقی بهروزی، جلد اول، ص ۱۱۳، فارس، انتشارات اتحادیه مطبوعات فارس، ۱۳۴۳.

۳- «سوگلی» صاحب حقوق کامل بود و او را «پادشازن»

- پارتیان و ساسانیان، صص ۴۶۰ - ۳۸۹؛ کلیما نیز
نظر پیگولوسکایا را در مورد پذیرش قلبی قباد
تکرار می‌کند. ر.ک: کلیما، تاریخ جنبش مزدکیان،
ترجمه جهانگیر فکری ارشاد، ص ۱۷۴، تهران،
انتشارات توس.
- ۲۰- در مورد اقدامات سیاوش در بازیافتن مجدد قدرت
به وسیله قباد و بحث ارتباط سیاوش با اندیشه مزدکی،
ر.ک: شوشتری، عباس، ایران نامه، ص ۱۵۶، تهران،
انتشارات آسیا.
- ۲۱- ایرانشهر، نشریه کمیسیون ملی یونسکو ایران، جلد
اول، ص ۳۵۸.
- ۲۲- محمد بن جریر طبری، تاریخ رسل و الملوک، ترجمه
ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، ص ۶۳۹، تهران، انتشارات
اساطیر.
- ۲۳- احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه
محمدابراهیم آیتی، جلد اول، ص ۲۰۱، تهران، بنگاه
ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
- ۲۴- پروکوپوس، جنگهای ایران و روم ترجمه محمد
سعیدی، ص ۵۵، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،
۱۳۲۸.
- ۲۵- شهرستانی در مورد تعظیم و احترام زرتشتیان نسبت به
آتش، چنین می‌نویسد: «مجوس را به سبب تعظیم کردن
آتش چند چیز است، یکی آنکه جوهر (شریف علوی)
است، دیگری آنکه ابراهیم خلیل (علیه السلام) را
نسخت؛ دیگر گمان آنکه به این تعظیم نمودن، در
آخرت ایشان را از آتش دوزخ نجات باشد، و به هر
حال، آتش قبله ایشان است و وسیله ایشان». ر.ک: الملل
والنحل، ترجمه سید محمدرضا جلالی نائینی، جلد
اول، ص ۴۲۹، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۳.
- ۲۶- در مورد اصل تداوم تاریخی و بحثهای انتقادی
در خصوص اشکال آن ر.ک: لمتون، ا.ک.س تداوم و
تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران،
نشر نی، ۱۳۷۲؛ طباطبایی، جواد، خواجه نظام الملک،
تهران، طرح نو، ۱۳۷۵؛ عبدالحسین زرین کوب،
نمونه‌هایی از مشترکات دین زرتشتی و اسلام را نشان
می‌دهد که می‌تواند در بحث تداوم مورد توجه قرار
گیرد:
- «در آئین مسلمانی، بسیاری از آداب و عقاید وجود
- ۱۳۴۹.
5. Procopius Caesrensis. De Bello Persico I, 5.
Opera omnia, ed.j.Haury, I.Lipsiae, 1905, p. 20.
- پیگولوسکایان، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و
ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، ص ۴۲۳، تهران،
انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۶- پیگولوسکایا، ص ۴۲۳.
- ۷- ابو علی بلعمی، تاریخ بلعمی، تصحیح ملک الشعراء
بهار، ص ۹۶۷، بی‌جا، چاپخانه خاور، ۱۳۱۸.
- ۸- شهرستانی، ملل و نحل، ترجمه مصطفی هاشمی، با
حواشی محمدرضا جلالی نائینی، جلد اول، ص ۴۲۰،
بی‌جا، شرکت افست، ۱۳۵۸.
- ۹- گمنام، مجمل التواریخ والقصص، تصحیح ملک الشعراء
بهار، ص ۹۵، تهران، انتشارات اداره کل نگارش وزارت
فرهنگ.
- ۱۰- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام،
ص ۱۸۰، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- ۱۱- ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت،
ص ۳۱۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲.
- ۱۲- کریستن سن روایات منابع متعددی چون ابوالفرج (در
الآغانی)، بیرونی، ابن اثیر، ثعالبی و میرخواند را در
مورد تقاضای مزدک برای دستیابی به مادر انوشیروان
گردآوری کرده است. ر.ک: کریستن سن، سلطنت قباد و
ظهور مزدک، ترجمه نصرالله فلسفی، صص ۶۳ - ۶۰،
تهران، نشریات مؤسسه خاور، ۱۳۰۹.
- 13 . Th. Noldeke. Tabari, str. 154.
- پیگولوسکایا، ص ۴۲۳.
- ۱۴- نقل از: کریستن سن، سلطنت قباد و ظهور مزدک،
ص ۵۵.
- ۱۵- همان کتاب، ص ۵۵.
- ۱۶- خواجه نظام الملک، سیاستنامه، به کوشش جعفر شعار،
ص ۲۹۵، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۶۴.
- ۱۷- کریستن سن، سلطنت قباد و ظهور مزدک، ص ۱۱۰.
- ۱۸- کریستن سن، وضع ملت و دولت و دربار ساسانی،
ترجمه مینوی، ص ۱۲۳، تهران، مطبوعه مجلس، ۱۳۱۴.
- ۱۹- پیگولوسکایا در بخش ششم اثرش به تطبیق گزارشهای
منابع تاریخی در مورد جنبه‌های گوناگون نهضت
مزدکیان می‌پردازد. ر.ک: شهرهای ایران در روزگار

زرتشت و آتش پاک بود. جهنم و بهشت و قیامت و صراط می‌توانست عقاید و آراء کهن را که دوزخ و جینود از آن نمونه‌ای بود، به یاد آورد. نمازهای پنجگانه نیز تنها از آن مسلمانان نبود، در آئین زرتشت نیز توصیه شده بود؛ در این صورت عامه مردم به آسانی می‌توانستند کیش تازه را که از دیار عرب فراز آمده بود، بپذیرند. دو قرن سکوت، ص ۳۱۹، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۵.

داشت که با عقاید کهنه مجوس سازگار بود. درست است که یزدان و اهریمن از تخت جبروت قدیم خویش فرود آمده بودند و ملکوت آسمانها دیگرگونه گشته بود، اما باز در ورای این دگرگونیهای ظاهری، نقشهای ثابتی مانده بود که همچنان به چشم مردم مانوس و آشنا می‌نمود. الله و ابلیس، هرچند با اهورمزدا و اهریمن یکی نبود، اما باز نام آن دو و مبدأ خیر و شر را به خاطر می‌آورد؛ قصه ابراهیم و آتش نمرود نیز، یادآور

● برخی منابع دیگر این پژوهش عبارتند از:

- حمزه اصفهانی. سنی ملوک الارض و الانبیاء (عنوان ترجمه فارسی: تاریخ پیامبران و شاهان). ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۴۶.
- تقوی، علی مهدی. بررسی تاریخی و مادی عقاید مزدک. به تصحیح اسکندر محبوب کار. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی. بی تا.
- خسروی، خسرو. مزدک. تهران: دنیای نو. ۱۳۵۹.
- رئیس نیا، رحیم. از مزدک تا بعد. تهران: پیام. ۱۳۵۸.
- سامی، علی. تمدن ساسانی. جلد اول. دروس دانشکده ادبیات شیراز. ۱۳۴۲.
- نفیسی، سعید. تاریخ تمدن ایران ساسانی. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۳۱.
- مشکور، محمدجواد، ایران در عهد باستان. تهران: امیرکبیر.
- گیرشمن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمدمعین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۴۹.
- تاریخ ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام.
- فردوسی طوسی، ابوالقاسم، شاهنامه. تصحیح زول مول. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۶۹.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

